

تصویر مادران در شاهنامه فردوسی

نسرین زاهدپور

انتشارات گنج علم

بهار ۱۳۹۶

سرشناسه	زاهدپور، نسرين، ۱۳۴۱ -
عنوان قراردادی	شاهنامه، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	تصویر مادران در شاهنامه فردوسی/نسرین زاهدپور.
مشخصات نشر	شیراز: گنج علم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۳۷ص.
شابک	978-600-97804-1-9
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه -- شخصیت‌ها -- زنان
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Characters -- Women
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and interpretation
موضوع	مادران در ادبیات
موضوع	Mothers in literature:
موضوع	عصر ساسانی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	Persian poetry -- 10th century -- History and criticism:
شناسه افزوده	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه، برگزیده، شرح
رده بندی کنگره	IR: ۴۴۹۰۰۱۳۹ /ز:
رده بندی دیویی	۲۱/۱۶۸:
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۶۳۷۴۳:



انستیتوت
کتابخانه ملی

تصویر مادران در شاهنامه فردوسی

نسرین زاهدپور

ناشر:	گنج علم
چاپ اول:	بهار ۱۳۹۶
ویراستار:	غلامرضا خلیلی اقبال
تایپ و صفحه آرا:	گلنوش بروسان
طراح جلد:	مریم مظفری
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۹۰۰۰ تومان

«کلیه ی حقوق چاپ و نشر محفوظ و متعلق به ناشر است.»

آدرس: شیراز- پارامونت، ابتدای خ قصر دشت، کوچه ۱، پلاک ۱ انتشارات گنج علم

تلفن: ۰۷۱۳۲۳۰۴۰۱۷

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کسی تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف (ناشر) نشر یا پخش و عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست فصول و مندرجات آنها

۷	مقدمه
	نقش مادران در شاهنامه
۲۵	۱-۲- نقش مادران
۲۵	۱-۱-۲- فریاک
۳۲	۲-۱-۲- سیندخت
۴۵	۳-۱-۲- رودابه
۵۱	۴-۱-۲- تهمینه
۵۵	۵-۱-۲- فرنگیس
۶۵	۶-۱-۲- جریره
۷۲	۷-۱-۲- مادر سیاوش
۷۶	۸-۱-۲- سودابه
۷۸	۹-۱-۲- کتایون
۸۹	۱۰-۱-۲- چهارزاد (همای)
۹۵	۱۱-۱-۲- مادر شاپور دوم (ذوالاکتاف)
۹۶	۱۲-۱-۲- مادر نوشزاد (همسر کسری انوشیروان)
۹۷	۱۳-۱-۲- ملکه هند
۱۰۴	۱۴-۱-۲- مادرشغاد
۱۰۵	۱۵-۱-۲- ماه آفرید
۱۰۵	۱۶-۱-۲- گلشهر

۱۰۷	۲-۲- شباهت های مادران
۱۰۷	۲-۲-۱- انتخاب همسر
۱۰۸	۲-۲-۲- اعتراض در سوگواری
۱۱۲	۲-۲-۳- خردورزی
۱۱۷	۲-۲-۴- دوراندیشی
۱۱۹	۲-۲-۵- رازداری
۱۲۰	۲-۲-۶- نشانه
۱۲۱	۲- تفاوت های مادران
۱۲۱	۲-۳-۱- الهامات غیبی
۱۲۱	۲-۳-۲- بهرکس
۱۲۲	۲-۳-۳- بردباری
۱۲۲	۲-۳-۴- تنهایی و مگر جبر
۱۲۳	۲-۳-۵- تاثیرگذاری مادران در استان ها
۱۲۳	۲-۳-۶- سیاستمداری سیندخته
۱۲۴	۲-۳-۷- یافتن همسر در خواب
۱۲۵	سخن آخر
۱۳۳	کتابنامه

مقدمه

شاهنامه اثر حماسی و ملی ما ایرانیان بارها از جنبه های گوناگون مورد نقد و نظر و بررسی قرار گرفته است. اثر ارجمند حکیم طوس ضمن اهمیت بسزایی که در هویت و تاریخ حماسه نویسی دارد به سوالات گوناگون تاریخ فرهنگی و اجتماعی نیز پاسخ می دهد. این اثر با پرداختن به دیدگاه های پژوهشگران، به بررسی حضور و نقش ما را ن در شاهنامه فردوسی می پردازد.

مادری چون فرانک در تکاپوی نجات جان فریدون، مادری با خردمندی و شجاعت سیندخت بهر وصف ناشدنی جریره، از خود گذشتگی و شهامت فرنگیس، ترازدی اندوه بار تنیده و درایت کتایون آموزگار. در این بررسی نقش چشمگیر مادران شاهنامه، مادر پی بردن به اهمیت حضور آنان آگاه تر می سازد و با دیدگاهی فراخ تر فرهنگ ایران مورد تفحص قرار می گیرد که از روزگار کهن زنان عصر باستانی، خردمند، دوراندیش و پربار، در کنار مردان با شجاعت و رشادت همگام بودند. در واقع این نوشتار سعی دارد تا آنکه اندیشه فردوسی و احترام آگاهانه ای او را به مادر بیان کند.

الف) نموده های فکری و ذهنی اساطیر

تاریخ در نوشتار مورخان، گویای سرآغاز و سرانجام کار سلاطین، ادیان، پیدایش فرقه ها، سنت ها و رسوم مختلف و مدفون گشتن آن، در داموشی روزگار است. اما قبل از پدید آمدن خط و کتابت تاریخ مسکوت است، جایی که تاریخ ساکت است اساطیر سخن می گویند و به بیان اندیشه ها، حالات و باور ها در شیوه های زندگی در اعصار پیش از تاریخ می پردازند.

اساطیر در قالب قصه ها، شعرها، سرودها، افسانه ها، نیایش ها و آیین ها اصول فرهنگی حاکم بر جوامع کهن را مشخص می سازد.

پژوهشگران بررسی خود را در اطراف جنبه های گوناگون از زندگی و تفکر انسان باستانی بر پایه اساطیری قرار می دهند که تا پیش از استفاده از خط و نوشتن،

سینه به سینه نقل می شده و پس از آغاز دوران خط و نوشتن به صورت مکتوب در آمده است. (لاهیجی، کار ۱۳۸۷: ۸۵)

انسان به محض آشنایی با خط و کتابت دست به کاری بزرگ زده و قصه ها و شعرها، سرودها، افسانه ها، نیایش ها و آیینهای دیرینه مربوط به سرزمین خود را نوشته و نگهداری کرده است. در حال حاضر همین منابع مکتوب است که به عنوان تنها دست مایه برای شناخت فرهنگ های کهن به کار می آید و گوشه هایی از زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان باستانی را که در ابهام است بر انسان امروزی روشن می کند. (همان، ص ۸۵)

ب) اساطیر با اصل مادینه هستی

پیش از آنکه ادیان توحیدی جوامع کهن را تحت تاثیر قرار دهد و بر تمام شئون زندگی مردمان چیره شود، اندیشه مذهبی در هر یک از این جوامع مراحل مختلف را گذرانده و در هر مرحله باورها و آیین های خاصی را در بر گرفته است. به طور کلی در قریبی ترین آثار بازمانده از انسان باستانی در جوامع کهن ردپای «بزرگ مادر» یا «مادر کیست» می شود که در صورتهای سمبولیک حضور خود را اعلام می دارد. در کهن ترین ادوار که هنوز در ذهن انسان ابتدایی، خدایان صورت و اندام انسانی به خود نگرفته بودند، اندیشه ها و باورهای مذهبی حول «اصل مادینه هستی» حرکت می کرد و سمبولهای پرستش این اصل گاهی شکل گیاهی داشت مانند درخت، گاهی شکل حیوانی مانند مار، عقرب یا نهنگ، گاهی شکل جمادی مانند ظرف، سنگ، کوه و تپه و گاهی این سمبول ها در مفهوم روحی از واژه ها و کلمات مستتر بود مانند کلمه افشین که در آسیای مرکزی به معنای پادشاه است و در تجزیه لغوی و مفهومی به معنای کدبانوی خانه است.

در میان اقوام اشن تین از اقوام آسیای مرکزی نیز کلمه تین به مفهوم پادشاه در اصل مادر مادران را می رساند. کلمه VEDUNJA به معنی جادوگر مشتق از کلمه VED - ATJ به معنی زایش است که مفهوم دانستن و آگاهی هم از آن مشتق می شود. (همان، صص ۸۷ و ۸۸)

علوی در کتاب مقام زن در ایران باستان می نویسد :

مقام زن در ایران باستان حائز اهمیت و احترام بوده است او یکی از اعضای

خانواده محسوب می شده و در تمام شوون زندگی با مرد برابری می کرده است.

در اوستا همه جا نام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده و در کارهای دینی که زنان باید انجام دهند و دعاهایی که باید بخوانند، زن را با مرد برابر شمرده است و حتی در صورتی که موبدی حاضر نبود، ممکن بود زن به مقام قضا برسد. در تاریخ هم چنین می بینیم که زنانی مانند همای، پوراندهخت و آزر می دخت به مقام پادشاهی رسیده اند. (علوی: ۱۳۸۹: ص ۱۷)

در حفاریاتی که در تپه های سراب کرمانشاه انجام شده و آثاری که کشف شده که از دوران نوسنگی است، دو مجسمه به دست آمده که از قدیمی ترین مجسمه هاست و نیز از اهمیتش مجسمه ها در مورد زن که در یکی از آن دو پیکره ی زنی است که به ونوس به سبب معروف شده، که اندام های خاص زنانگی همگی بسیار درشت تر به چشم می خورد.

این جایگاه زن در آن دوران ناشی از اعتقادی است که از عملکرد ها و فعالیت

ها و توانایی های خاص زنان به دست آمده است. (برادا: ۲۵۳۷: ص ۷)

در اساطیر مبتنی بر پرستش بانو - خدایان، جلوه ها و تظاهرات کرداری و رفتاری آنان به حدی است که به آسانی می توان استنباط کرد که انسان باستانی بدون هرگونه شبهه و تردید، بر مراتب خردمندی، هوشیاری و پراوری جنس زن صحنه می گذاشته و نمودهای این باور را در آثار اساطیری و حماسی خردنچلی کرده و برای ابد برجا گذاشته است.

در اساطیر متعلق به این جوامع جنس زن در جریان پیدایش، تربیتش و به طور کلی در جریان ظهور تمام پدیده های حیات بخش و در مجموعه خلقت سهم و نقش برتر را داشته است. حضورش در تمام رویدادهای اساطیری که منجر به خلقت و پیدایش می شود بی شباهت به حضور زن آبستنی نیست که پا به صحنه زمان و مکان می گذارد تا بزاید و زندگی را بر پهنه گیتی گسترش دهد.

کتاب شناخت هویت زن ایرانی بانو خدایان را از دیدگاه انسانی باستانی بدین گونه شرح می دهد:

فوق طبیعی، خارق العاده، هوشیار، کارساز، نیرومند، آفریننده و خردمند... ضعف و زبونی و عجز آنچنان که در فرهنگ های امروزی به جنس زن نسبت می دهند در فرهنگ های کهن و پیش از تاریخ با زنانگی بیگانه است. (لاهیجی، کار: ۱۳۸۷: صص ۸۸ و ۸۹)

در فرهنگ های کهن زن با جسم و روانی سرشار از پدیده های حیات بخش قائم به. هنیات انسان باستانی می گذارد و در کمال هوشیاری و خردمندی آنچه را برای او ضروری دارد به زیور خلقت می آراید. حتی در اساطیری که بانو - خدایان مایه جنگ افروزی میشوند، این قدرت زنانه است که در پایگاه خشم و غضب اقدام می کند و اقدام را رجانه و به دگرگونی چهره زیست پیروان می انجامد. (لاهیجی، کار: ۱۳۸۷: صص ۸۸ و ۸۹)

بی گمان انسان باستانی احتیاج به خداهای حمایت کننده را احساس کرده بود. زیرا از زمانهای خیلی پیش طوفان، سیل، زلزله و سایر عوامل طبیعی و حیوانات وحشی، انسان و خانه و گله و محصولات کشاورزی را تهدید می کردند و برای جلب حمایت عوامل طبیعی آنها را مورد پرستش قرار داد. در مثل درخت نشانه جنگل و مورد احترام و پرستش واقع شد. ایران پیش از ورود آریایی ها و تقسیم آن به گروه های مختلف، مانند ملل و اقوام همسایه ی خود مذهب سادر خدان داشته و در نواحی مختلف ایران پرستش الهه ی مادر رایج بود. تندیس هایی که در دست آمده به وجود این مذاهب در آن ادوار گواهی می دهد (همان، ص ۸۷).

در اهمیت نقش زن و اعتقاد به آن همین بس که تقریباً در تمام مذاهب یادگار الهه ی مادر را که به شکل ساده مجسم شده حفظ کرده اند و مردم در آن مبدا وجود را تقدس و آن را نشانه باروری و فراوانی می شناختند. اما به مرور زمان پرستش الهه ی مزبور در مقابل خدایان نرینه متروک شده و با وجود این همیشه مقام همسری و مادری را در برابر آن ها برای خود حفظ کرده است» (همان، ص ۷۹)

در اکتشافات باستان شناسی متعلق به فرهنگ های پیش از کشاورزی در جهان، سمبول های خدایی از جنس «زن» بسیار به دست آمده که عموماً بیانگر قدمت پرستش مادر کبیر (بانو - خدا) در جوامع کهن می باشد. اما این سمبول های خدایی تا حدودی که فرهنگ های پیش از آغاز عصر کشاورزی را در بر می گیرد، منحصر به جنس زن نبوده و در کنار آنها سمبول های خدایی از جنس مرد هم وجود داشته است. (همان، ص ۷۹)

از آغاز شکل گیری نظام های کشاورزی در جهان، به تدریج سمبول های خدایی از جنس مرد حذف شده و سمبول های خدایی از جنس زن تا مدت ها صورت منحصربه فرد به خود گرفته و به وفور تولید و تکثیر شده است. این تحول به حدی چشمگیر است که می توان گفت: در مرحله کشاورزی آغازین، مادر کبیر (بانو - خدا) پیش از ازار، زنده مورد احترام و پرستش قرار گرفته و اندام های او بیش از گذشته در دیدگاه انسان سر نو پدید کشاورزی نماد رحمت و نعمت و خلقت و باروری و به طور کلی مظهر نیروی طبیعی و مافوق طبیعی شناخته شده است. (همان: ۷۹)

در کتاب شناخت هویت زن ایرانی تحول موقعیت زن در روند گذار از مرحله شکاروورزی به مرحله کشاورزی مبتنی بر اصولی بوده که با خصائص نظام جدید و روابط تولیدی حاکم بر آن ارتباط نزدیک داشته است. این ارتباط را هر یک از باستان شناسان و تاریخ نگاران که تحولات پیش از تاریخ را در جهان گزارش داده اند به زبان خود تاکید و خطوط تحول نقش زن را در جریان گذار روشن ساخته اند. (همان، ۸۰)

ویل دورانت در جلد یک از «خلاصه داستان تمدن» تحولات نقش زن را در مرحله استقرار نظام کشاورزی آغازین و سپس در مراحل بعدی از پیشرفت های کشاورزی این چنین گزارش می دهد:

مدنیت در کلبه برزگر آغاز به رستن می کند و در شهر به گل می نشیند و بار می دهد. بشر هنگامی توانست گوهر انسانی خود را آشکار سازد که زندگی او از مرحله متزلزل شکار خارج شد و به مرحله مطمئن تر و ثابت تر حیات چوپانی درآمد،

و در این شکل جدید مزایای گرانبهای نصیب او شد که عبارت بود از اهلی کردن جانوران، تربیت دامها و مصرف شیر آنها. در عین حال که این حوادث اتفاق می افتد، زن به بزرگترین اکتشافات دست یافت و سرّ حاصلخیزی زمین را پیدا کرد. (همان، ص ۸۰)

در ادامه سخنان ویل دورانت صاحبان کتاب شناخت هویت زن ایرانی می نویسند: تا آن هنگام کار زن تنها این بود که وقتی مرد به شکار می رفت، با چنگال خو زمین پیرامون چادر را بکاود تا مگر چیزی قابل خوردن به چنگ آورد. در ا- معات ابتدایی، قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است. در آن هنگام که - دان با طریقه های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه زراعت را زرقی می داد. همین زن ابتدایی نخست ریسمان و پس از آن پارچه را اختراع کرد. کانه - انو - گی را نیز زن بوجود آورد و آداب اجتماعی را که بنیان معرفت النفسی و منط - بیت است، به مرد تعلیم داد. ولی هنگامی که صنعت و زراعت پیشرفت پیدا کرد - سرب به دست آمدن عایدی بیشتری شد، جنس مرد به تدریج استیلای خود را بر آن وسعت داد. (همان، ص ۷۹)

زن تا آن هنگام حیوان را اهلی کرده بود. مرد این حیوان را در زراعت به کار انداخت و بدین ترتیب سرپرستی عمل کشاورزی در دست گرفت. باید اضافه کرد که زیاد شدن دارایی قابل انتقال انسان از قبیل - حیوانات اهلی و محصولات زمینی، بیشتر به فرمانبرداری زن کمک می کرد، چه مرد در این هنگام از او می خواست که کاملاً وفادار باشد تا کودکانی که بدنیا می آیند و میراث می برند، فرزندان حقیقی خود مرد باشند. چون حق پدری در خانواده شناخته شد، انتقال ارث که تا آن موقع از طریق زن صورت می گرفت، به اختیار جنس مرد در آمد و خانواده پدر شاهی در اجتماع به منزله واحد اقتصادی و قانونی و سیاسی و اخلاقی جامعه شناخت پوشید. خدایان نیز که تا آن موقع غالباً به صورت زنان بودند، به شکل مردان ریش دار در آمدند. (همان، صص ۷۹ و ۸۰)

ج) دوران تثبیت قدرت زنانه

زنان عهد قدیم از مرحله شکارورزی به کشاورزی نه فقط جلوه گاه زیبایی و باروری و قدرت زمینی به شمار می آمدند بلکه همچون نیروی لایزال و لایتنامی و منحصر به فرد که منشاء و سر چشمه در آسمان ها داشت نیز مورد پرستش قرار گرفت. انسان در عصر کشاورزی آغازین به سمبول های خدایی از جنس زن یکسره گردن نهاد و سمبول های خدایی از جنس مرد به تدریج به فراموشی سپرده شد. نشانه های بدست آمده حاکی است که در نظام نو پدید کشاورزی باور عمومی نسبت به شایستگی و مهارت و هوشمندی و خردمندی جنس زن در زمینه های مادی و اقتصاد زندگی مردم بر ارتقاء مقام او در زمینه های مذهبی و آسمانی بوده است. (همان، ص ۸۰)

به سخن دیگر زن ابتدا به نیروی ابتکار و مدیریت و خلاقیت در آغاز عصر کشاورزی، خود را مطرح کرده و مقام های دنیوی و سیاسی را اشغال نموده و سپس بر پایه این ظهور مادی و دنیوی تمام خود را در آسمان به نام سمبل منحصر به فرد از نیروهای ماوراء طبیعه تثبیت کرده است بنابراین زن در آغاز استقرار عصر کشاورزی از لحاظ مادی و اقتصادی بارز شده و مقام های دنیوی را بر مقام های آسمانی خود که در ادوار پیش از آن به نام مادر خدا دانسته افروخته است. (همان، ص ۸۰)

اما در نظام جدید بر خلاف نظام کشاورزی که جوامع کهن از آن گذر می کردند، سکونت در کنار کشتزارها و به طور کلی (استقرار) عامل و پایه ای شد برای افزایش تولید و کارایی. در حالی که در نظام رو به زوال کشاورزی، انسان ها محکوم و ناگزیر بودند که برای افزایش تولید و کارایی دائمی، سرکوت و کوچ و جا به جایی به سر ببرند.

زن در نظام جدید که سکونت و استقرار زمینه اصلی آن را تشکیل می داد بیش از مرد توانایی داشت تا قدرت های نهفته خود را آشکار کند. طبیعت زنانه به او امکانات و فرصتهایی بخشیده است که زودتر از مرد می تواند خود را با شرایط استقرار و سکونت وفق دهد :

در نظام جدید به علت آنکه سکونت و استقرار در جوار زمینهای کشت شده جای ضرورت حرکت و جا به جایی دایمی را گرفته بود، اهمیت وابستگی فرزندان به مادر شکوه و جلوه‌ی تازه‌ای یافت و از جنبه‌های مادی و اقتصادی هم بارز شد. بچه‌ها که حداقل تا دو سال شیرخوار بودند و سپس تار رسیدن به سنین رشد همراه مادران به سر می‌بردند با مادر طبعاً رابطه‌ای عمیق‌تر از پدر برقرار کرده و در نتیجه با شرایط جدید که استقرار و سکونت پایه و اساس آن بود به اتکاء همراهی و هم‌رستی با مادر بهتر سازگار می‌شدند.

مادران نیز به علت شرایط بیولوژیکی که امکانات لازم برای تولید و زایمان را در وجودشان برقرار کرده و در نتیجه نیاز به سکونت و استقرار را در معبودشان بوجود آورده بودند با وضعیت جدید که سازگاری با استقرار را ایجاب می‌کرد به گونه‌ای طبیعی تری برخورد می‌نمودند و چون فرزندان را زیر چتر حمایت و سلطه خود داشتند، همراه و همگام با این نیروی انسانی تازه نفس که گاهی تا چندین برابر از نیروی فردی مادران فزون بود، تشکیل یک گروه مولد و بسیار پر شور و فعال را می‌دادند که زمین زیر پنجه آنان بارور می‌شد و افراد به نفع در پناهشان بیش از پیش از احساس ایمنی و رفاه و فراوانی لذت می‌بردند (همان، صص ۸۰ و ۸۱).

در جریان این تحول که نقش مادر به سرعت در عرصه زندگی خانگی که در عرصه زندگی اجتماعی ممتاز شده بود، پدر باستانی از حرکت بازماند و به نیروی حاشیه‌ای تبدیل شد. او به علت عادت دیرینه‌ای که به حاکمیت برای دستیابی به طعمه و شکار داشت نتوانست به سرعت از سکونت و استقرار در نواحی پهنای مزروعی استقبال کند و از آنجا که با بچه‌ها نیز وابستگی کمتری داشت نتوانست به آن نیروی شگرف و پرتوان انسانی که تحت سلطه و فرمانروایی زن بود دست یابد. حاصل آنکه مرد در برابر توانایی‌های زن تا مدت‌ها جا خالی کرد و زن با استفاده از این فرصت توانست به نیروهای بالقوه و نهفته خود را ظاهر ساخته و در نظام جدید جا و مقام برتر را به خود اختصاص دهد. (همان صص ۸۱)

زن که خود در وجود خویش منبع تغذیه و سرچشمه زندگی برای فرزندان تا سنین رشد به فراوانی داشت، در نظام جدید به منبع و سرچشمه نیرومندی تبدیل شد

که همراه با نیروی انسانی که در اختیارش بود زمین را نیز بارور می کرد. مردمان عصر کشاورزی آغازین عمیقاً پذیرفتند که زن هم خود زاینده است، هم به زمین نیروی زایش و باروری می بخشد. او مادر انسان و مادر زمین است. او مادر کبیر است (همان ص ۸۱)

سرزمین ایران از جمله جوامع کهنی است که در قرون پیش از تاریخ، گذار از مرحله شکاروورزی به سوی کشاورزی آغازین را تجربه کرده است. از این رو است که نمودهای عینی از قدرت زنانه در خاک این سرزمین فراوان بدست آمده است.

نمادهای عینی از قدرت زنانه

نشانه هایی که از وجود قدرت زنانه در خاک ایران فرهنگی بدست آمده به ۶۰۰۰ سال ق. م. یعنی ۸۰۰۰ سال پیش تعلق دارد. همزمانی تقریبی این نشانه ها با آغاز دوران گذار از مرحله شکاروورزی می تواند نقطه عطفی در تحول مقام زن در سرزمین کهن ما به شمار آید. به خصوص که نشانه ها عموماً در شکل ظاهری بر نیروهای باروری و زاینده گی زن همچون مظهری از نیروهای حیات بخش و لایزال طبیعی تاکید می ورزند. (همان ص ۸۱)

بجاست اگر نشانه های بدست آمده از منابع باستان شناسی را که با آغاز عصر کشاورزی در ایران همزمانی دارد به نام شهید زنانه، وگه با برای اثبات وجود قدرت زنانه در گذشته های دور میهن خود مورد تحلیل قرار دهیم (همان، ص ۸۱) (جدول الف)

از حفاریات غاری در تنگ بیده واقع در کوه های خیری (شمال شرق شوشتر) آثاری مربوط به ۶ تا ۸ هزار سال پیش کشف شده که بر اساس آن ها مقام زن چنین بیان شده :

در آن جامعه ی بدوی وظیفه ی مخصوص بر عهده ی زن گذاشته شده بود. وی گذشته از آن که نگهدار آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ی ظروف سفالین بوده، می بایست چوبدستی به دست گرفته، در کوه ها به جستجوی ریشه های خوردنی نباتات یا جمع آوری میوه های وحشی بپردازد.